



نویسنده: بهادرا کومار

مترجم: ک. پیکار پامیر

منبع: ایشیا تایمز آنلاین

برگشت دوم حکمتیار طرح امریکا و پاکستان است

این مطلب، در شماره مورخ بیست و چهارم ماه سپتامبر 2016 روزنامه معتبر "سوت ایشیا" به نشر رسیده است:

<http://atimes.com/2016/09/hekmatyars-second-coming-is-a-us-pakistan-enterprise/>

گلب الدین حکمتیار، یکی از چهره های متلون جهاد افغانستان اخیراً موافقتنامه صلح با کابل امضا کرد که در عین زمان یکی از معاملات پی در پی ایالات متحد امریکا و پاکستان پنداشته می شود. حکمتیار که با خانواده اش در پاکستان زندگی می کند، به دیدگاه های ضد هندی اش شهرت دارد. هنگامی که هند آشکارا از ناسیونالیست های بلوچ در پاکستان حمایت می کند، اسلام آباد می خواهد مناسبات میان دهلی و کابل را برهم زند و حکمتیار می تواند در آینده چنین امری را تضمین کند. بنابراین هند دلیلی برای نگرانی اش دارد.

پیش نویس این توافق که در 22 سپتمبر بین حکومت افغانستان و گروه معروف مجاهدین حزب اسلامی گلبدین نشانی شده است، در نگاه اول تعهد اخیر الذکر را به وداع با اسلحه و قبول اینکه که به حیث یک حزب سیاسی متعارف باشد، نشان می دهد. این به طور نیرنگ آمیزی التزام به قاعده اصولی آشتی به نظر می رسد.

گلب الدین حکمتیار احتمالاً یکی از متلون ترین چهره های جهاد افغانستان است که انگیزه توافق صلح روز پنجشنبه اش بدون تردید با شخصیت اسرار امیز او ارتباط دارد.

حکمتیار دست به دست تقریباً همه دستگاه های استخباراتی خارجی شده است که وقتاً فوقتاً که از زمان بازی بزرگ در سال های هفتاد در سرزمین هندوکش دخالت داشته اند. این دستگاه ها از کا جی بی اتحاد شوروی و سی آی ای تا استخبارات پاکستان و عربستان سعودی را در بر می گیرند.

همین به تنهایی بیانگر آنست که روح بیقرار حکمتیار و برگشت دومش چیز دیگری بوده نمی تواند مگر یک چرخ بر زمینه جیوپولتیک.

حکمتیار یک شخصیت از نگاه سیاسی نهایت جاه طلب و مجری بیرحم بازی قدرت است. امروز او هوای چیزی کمتر از ریاست جمهوری افغانستان را ندارد. از اکنون به بعد معلوم خواهد شد که جاه طلبی فزون طلب او چه خواهد کرد. اگر به عملکرد او در گذشته رجوع شود، در روند رسیدن به قدرت دست از مخالفت بر نمی دارد. زمان نشان خواهد داد که آیا او نرم شده است و روحیه تغییر دموکراتیک را پذیرفته است؟

حزب اسلامی گلب الدین در سال های هشتاد به هنگام جنگ علیه اشغال اتحاد شوروی، در میان هفت گروه عمده مجاهدین در پاکستان حیثیت دست نشانده محبوب پاکستان را داشت. اما اکنون از آنچه بود سایه کمرنگی باقی مانده است و توسط انشعابات درهم شکسته است. دیگر به مشکل چیزی بیشتر از یک گروه شورشی است. بنابراین سازش حزب اسلامی گلب الدین کدام بهبود عمده در وضعیت امنیتی نمی آورد. اما با معیار سیاسی این توافق صلح اهمیت دارد. آنهم به خاطر یک چیز که اشرف غنی تصمیم گرفته است که برنده باشد. غنی که از نگاه منشای قومی یک کوچی است، فاقد پایگاه سیاسی می باشد و نفوذ حکمتیار در بین پشتون های غلزائی شرقی به کار او می آید. (طالبان در بین قبایل قندهاری نفوذ دارند).

ایجاد یک ستون حمایت از پشتون ها عجالتاً غنی را قادر می سازد تا در برابر فشار جناح رقیبش در درون حکومت وحدت ملی بیايستند که رهبری آن ها را عبدالله عبدالله رئیس اجرائی دارد و حامیان وی عمدتاً گروه تاجیک های پنجشیر و غرب افغانستان می باشند.

معمولاً حامیان تاجیک عبدالله از سال های هشتاد به اینسو با حزب اسلامی گلبدین درگیر مبارزات مرگباری بوده اند که هنوز پایان نیافته است. بنابراین مهم است تا دانسته شود که توافق صلح با حزب اسلامی گلبدین منعقد شد ولو آنکه مشروعیت حکومت وحدت ملی وابسته به توازن است و یک نوع انتقال سیاسی در کابل اجتناب نا پذیر گردیده است.

با اینهم حکمتیاری نمی خواهد که یک شریک فرعی باشد. بنابراین در این انتقال، در صورتی که لویه جرگه برگزار شود تا درمورد حکومت موقت تصمیم بگیرد، می توان انتظار داشت که حکمتیاری قطعه خود را بازی کند و توازن نیروها را به نفع خود دور بدهد.

چنانکه معلوم می شود، حامد کرزی رئیس جمهور پیشین امیدوار است که این حکومت موقت را رهبری کند، اما ورود حکمتیاری در صحنه این وضعیت را تغییر می دهد. کرزی با یک رهبر پشتون رقیب رو در رو است که شجره سیاسی اش فرا تر از آنست که در اوایل دهه هفتاد بود.

بنابراین، آنچه ما نیاز به درک آن داریم محاسبه قدرت های خارجی است که مکتوم می باشد. مهمترین جنبه این کار در اینجا ابعاد مداخله خارجی در این رسیدن به توافق است که منجر به برگشت حکمتیاری به مرکز صحنه شده است.

درنگاه اول واشنگتن برای حکمتیاری به مثابه یک تروریست مورد پیگرد، جایزه سر تعیین کرد و وی همچنان در لیست تروریست های خطرناک ملل متحد قرار دارد. روزنامه های غربی او را با عنوان "قصاب کابل" سرزنش کرده اند. با اینهم واشنگتن فرصت را برای خوش آمد گفتن به وی درتوافق روز پنجشنبه از دست نداد. مثل اینکه واشنگتن خود جز

این توافق باشد، تقریباً همزمان با اعلام این توافق نید پرایس سخنگوی شورای امنیت ملی ایالات متحد آمریکا گفت که واشنگتن از این توافق «استقبال می کند» و « از هردو جناح به خاطر توسل به راه حل صلح آمیز از طریق گفت و گو و مذاکره ستایش می نماید و این موافقتنامه را همچون نشانه مهم تعهد حکومت افغانستان به اعاده صلح و ثبات در افغانستان می ستاید.»

کاملاً آشکار است که ایالات متحد آمریکا یک نوع اطمینان عقب پرده به حزب اسلامی گلب الدین در قسمت حذف نامش از لیست تروریست های ملل متحد داده است و خود حکمتیار پرنده آزادی خواهد بود که آزاد است تا هر جای بلندی که در گردون گردان افغانستان آرزو دارد، اوج گیرد.

احتمالاً چنین آشتی گرایی برای واشنگتن دشوار نخواهد بود، زیرا حکمتیار به ویژه استفاده کننده عمده حمایت های سی آی ای برای مجاهدین افغانستان در دهه هشتاد بوده است و حتا یک بار در دفتر بیضی کاخ سفید توسط رونالد ریگان پذیرفته شد.

دلچسپ آنست که اسلام آباد در مورد توافق حکومت افغانستان با حزب اسلامی گلب الدین خاموشی اختیار کرده است. اما این به هیچ صورت بیانگر بی تفاوتی اش نیست، زیرا حکمتیار و خانواده اش در پاکستان و در پناه سازمان های امنیتی این کشور زندگی می کنند که هیچ کاری بدون تصویب مرشدانش صورت گرفته نمی تواند.

بنابراین مساله مجهول معلوم آنست که تا کجا مدیریت بین الاستخباراتی پاکستان یا آی اس آی زمان را برای اعاده حیثیت حکمتیار به تدریج مساعد می سازد.

نکته قابل ذکر اینست که توافق غنی و حکمتیار یک معامله متوالی پاکستان و ایالات متحد آمریکا نیز می باشد. اکنون منافع ایالات متحد آمریکا و پاکستان برای فراهم ساختن یک انتقال منظم در کابل باهم تلاقی دارند. هردو کشور از به درد سر افتادن از زرنگی های

کرزی بیم دارند. از جانب دیگر حکمتیار هم برای سی آی ای و هم برای آی اس آی یک شخص مورد توافق می باشد.

جالب آنست که تهران نیز از توافق با حزب اسلامی گلبدین را استقبال کرده است. البته این واقعاً تعجب انگیز نیست زیرا حکمتیار در زمان حاکمیت طالبان برای چندین سال در ایران به حالت تبعید زندگی کرده است و استخبارات ایران در مورد او شناخت خوبی دارد.

مهمترین ملاحظه پاکستان در مورد حکمتیار اینست که وی به « ضد هند » بودن دو آتشه مشهور است. او در بین گروه های مجاهدین یگانه گروهی بود که به طور خاص تهدید به دامن زدن شورشگری در کشمیر می نمود.

با توجه به ابراز حمایت آشکار هند از ناسیونالیست های بلوچ پاکستان، پاکستان مصمم است تا تضمین نماید که هیچ نوع همبستگی بین دهلی و کابل در هیچ حکومت آینده افغانستان ممکن نباشد. این را حکمتیار می تواند تضمین کند.

آیا "برگشت دوم حکمتیار" به مفهوم عقب نشینی از حمایت طالبان به سود حزب اسلامی گلبدین به مثابه "دارائی استراتژیک" اساسی در افغانستان می باشد؟ چنین امکانی را نمی توان رد کرد. اگرچه بسیار احتمال دارد در مسابقه برای قدرت در کابل هر دو اسپ را نگاه دارد.

این تصادف است و یا نه که در آستانه توافق صلح با کابل در روز پنجشنبه، یک گروه شخصیت های برجسته دستگاه دولتی پاکستان که شامل سه وزیر خارجه و یک مشاور امنیت ملی پیشین می شوند، در اسلام آباد، مشترکاً طرحی را تدوین کرده اند که بر الزامات یک بازبینی بزرگ در سیاست افغانستان اسلام آباد تاکید می کنند.

اساس استدلال شان این بود که پاکستان باید به مبارزه حیاتی اش در برابر هند در کشمیر اولویت قایل شود و برای این منظور با سرعت مناسباتش را با واشنگتن و کابل عادی

سازد. به زبان ساده اینکه آن ها نوشته اند پاکستان باید طالبان به شمول گروه حقانی را رها کند و به جای آن منابعش را برای تقویت « قابلیت پاکستان برای دفاع قوی از امر کشمیر» به کار گیرد.

واضحاً این تغییر پارادیم یا رهنمود تاجائی برای ایجاد یک زمینه بسیار مساعد برای کاریدور اقتصادی چین و پاکستان نیز مفید است. در پهلوی آن پاکستان مذبحخانه مشتاق است تا دوباره مناسباتش را با ایالات متحد امریکا گرم سازد.

برای آنکه مطمئن باشیم پاکستان چنین مساعدت بزرگی به ایالات متحد امریکا در قسمت کمک به انتقال بسیار حساس برای مرحله بعد از غنی در زمانی می کند که ریاست جمهوری بارک اوباما به مرحله "مرغابی لنگ" رسیده است، باید بدانیم که در مقابل چه انتظاری دارد؟ هند از این سوال به خود می پیچد.

امریکا کار دیگری جز همکاری بالمقابل نمی تواند. این برموضع ایالات متحد امریکا در قبال تشنج میان هند و پاکستان و آشوب در بخش هندی کشمیر چه تاثیر می کند؟ هند دلیل دارد که احساس نگرانی کند.

